



زهرا هادیانی
عضو هیات علمی گروه جغرافیای
دانشگاه سیستان و بلوچستان

قسمت نخست

شهر و پیرامون

(حوزه نفوذ روستایی)

۱. طرح مسأله

بین شهر و آبادی های روستایی پیرامون آن، روابط متقابلی برقرار است که در هر نظام یا صورتبندی اجتماعی - اقتصادی، این روابط متقابل، شکلی خاص پیدا می کند. بررسی کثرت، شدت، ساز و کار، کیفیت و نوع روابط و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فضایی این روابط در شهر، روستا و فضاهای بین این دو در دوره های تاریخی، موضوع جغرافیایی رابطه شهر و روستا هستند. از آن جا که شهر و حوزه روستایی

نظریات و پژوهش های تئوریکین ها و جغرافی دانان غربی از دو سو مطالعه شد:

۱. از سوی جغرافی دانان غربی

۲. از سوی جغرافی دانان ایرانی

پیش از آن که به مطالعات و پژوهش های پیشین از نظر زمانی و محتوایی - جغرافی دانان غربی بپردازیم، لزوم چنین مطالعاتی را از دیدگاه جغرافی دانان ایرانی که از جهت زمانی متأخرتر هستند، بررسی می کنیم. مثلاً دکتر فرید می نویسد:

«از نظر جغرافیایی، مطالعه شهر منحصر

نابرابر نواحی جغرافیایی بینجامد بازتاب آن را در چشم انداز جغرافیایی شهرها و رشد ناهمگون آن ها می توان یافت. بر این اساس، در مطالعات شهری، باید به محیط زیست شهر و فرایندهای حاکم بر آن در مقیاس ناحیه ای توجه داشت و شهر را در سطوح متفاوت «بافت شهری» و «بافت ناحیه ای» در رابطه با ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ناظر بر آن بافت، مورد ارزیابی قرار داد.

زندگی روستایی، در ذات خود،

نمی تواند به عنوان عاملی توانا در سازمان دهی نواحی نقشی ایفا کند؛ مگر آن که با شهر در رابطه باشد. همین روستا وقتی شخصیت جغرافیایی می یابد که تولیدات کشاورزی آن در رابطه با شهر مورد معامله و بازرگانی قرار گیرد. بنابراین تشکیلات بازرگانی تولیدات وابسته



پیرامون آن، دو پاره از یک کل محسوب می شوند و تشکیل یک سیستم را می دهند، در چارچوب مطالعات جغرافیایی واحدی قرار می گیرند. در جهان و ایران، مطالعات نظری و پژوهش های میدانی گوناگونی در این زمینه وجود دارد. از اواسط قرن نوزدهم، نگرش

نظری و تئوریکین کردن رابطه شهر و روستا آغاز شد و در قرن بیستم هانس بوبک آن را از دید جغرافیایی مدون کرد.

در ایران، مطالعات نظری و میدانی رابطه شهر و روستا نیز با الهام از

به محدوده خود شهر نیست؛ چرا که شهر با پیرامون خود، با روستاهای اطراف و شهرهای دیگر ناحیه ای که در آن تکوین یافته است، پیوند جغرافیایی محکمی دارد و هر عاملی که به توسعه اقتصادی و اجتماعی

به زمین، یک اقدام و عمل شهری و وابسته به شهر است و این وابستگی در سطوح متفاوت محلی و ناحیه ای عمل می کند و آن جا که میدان جاذبه مغناطیسی شهر در مرزهای ناحیه ای به ضعف می گراید، انجام



فعالیت‌ها سست و یا متوقف می‌شود» [۱].
به نظر دکتر فرید در کتاب «جغرافیا و شهرشناسی»، پیوند شهر و ناحیه با روستاهای ناحیه یا قلمرو و نفوذ شهر از راه‌های گوناگون برقرار می‌شود.

۱. شهر در ارتباط با جمع‌آوری تولیدات ناحیه؛ شهر به عنوان «واسط و بازار»؛ شکل‌های مختلف برداشت؛ جمع‌آوری و بازرگانی تولیدات روستا و ناحیه توسط شهر به نفع جامعه شهری (ص ۴۵۴، ۴۵۲، ۴۴۵).

۲. رابطه جمعیتی شهر و ناحیه در زمینه استخدام کارگر روزانه و جذب جمعیت روستاهای اطراف (ص ۴۵۸، ۴۵۵، ۴۴۸).

۳. رابطه شهر و ناحیه با مالکیت‌های ارضی، مالکیت‌های تفریحی-بیلاقی یا تملک و استفاده از سکونتگاه دوم شهریان در مناطق روستایی (ص ۴۵۲، ۴۵۱، ۴۵۰، ۴۴۹).

۴. رابطه خدماتی شهر و ناحیه: شهر در مقیاس وسیع به ناحیه خدمات عرضه می‌کند (ص ۴۶۱، ۴۵۸، ۴۴۵).

۵. تأمین و توزیع سرمایه تولیدات صنعتی و کار جامعه شهری در ناحیه (ص ۴۶۳، ۴۶۱).

۶. جهت‌دهی شهر به روستا به تبع خواسته شهریان (ص ۴۴۵).

۷. عملکرد اداری شهر در برابر محدوده اداری شهرستان (ص ۴۴۵).

۸. نشر تکنیک و خدمات گوناگون در سطوح گسترده، توسط شهر به ناحیه روستایی (ص ۴۴۵).

۹. محورهای ارتباطی شهر-ناحیه و گسترش نفوذ شهر و تسلط آن بر ناحیه (ص ۴۶۴).

دکتر فرید، روش‌های مطالعاتی گوناگون کمی و آماری و روش‌های

جغرافیایی زیر را برای آشنایی با شدت و آهنگ تأثیرگذاری شهر روی ناحیه و ارزیابی مرکزیت و منطقه نفوذ شهر به تفصیل تشریح می‌کند و برای پژوهشگران در این زمینه‌ها، رهنمودهای ارزنده‌ای ارائه می‌دهد:

۱. تعیین و شناخت شاخص مرکزیت و منطقه نفوذ شهر به روش سون گدلند^۱ (ص ۴۷۰).

۲. ارزیابی شاخص مرکزیت به روش والتر کریستالر (ص ۴۷۰، ۴۷۱).

۳. ارزیابی منطقه نفوذ شهر یا «قانون خرده‌فروشی» به روش رایلی^۲ (ص ۴۷۳، ۴۷۵).

۴. روش بررسی ارتباطات (تعداد سرویس‌های و وسایل نقلیه عمومی که روزانه از شهر به سوی ناحیه حرکت می‌کنند) برای تعیین حوزه نفوذ شهر (ص ۴۷۵، ۴۷۶).

۵. روش بررسی روابط تلفنی به مقصد شهرمعین، برای تعیین میدان نفوذ شهر (ص ۴۷۶).

۶. روش مطالعه فهرست‌ها و فیش‌های انتخاباتی، برای تعیین میدان مغناطیسی شهر یا منطقه نفوذ آن (ص ۴۷۶).

۷. روش بررسی روابط تولیدی روستا (لبنیات، سبزیجات و صیفی‌جات) با شهر و ناحیه (ص ۴۷۸).

۸. روش‌های مطالعه منشأ جغرافیایی مشتریان ناحیه که برای خرید، گشایش حساب‌های بانکی و استفاده از آن‌ها به شهر می‌آیند (ص ۴۷۸).

۹. روش مطالعه روابط درمانی و جراحی ناحیه با شهر (ص ۴۷۸).

۱۰. روش مطالعه روابط آموزشی ناحیه با شهر (ص ۴۸۱).

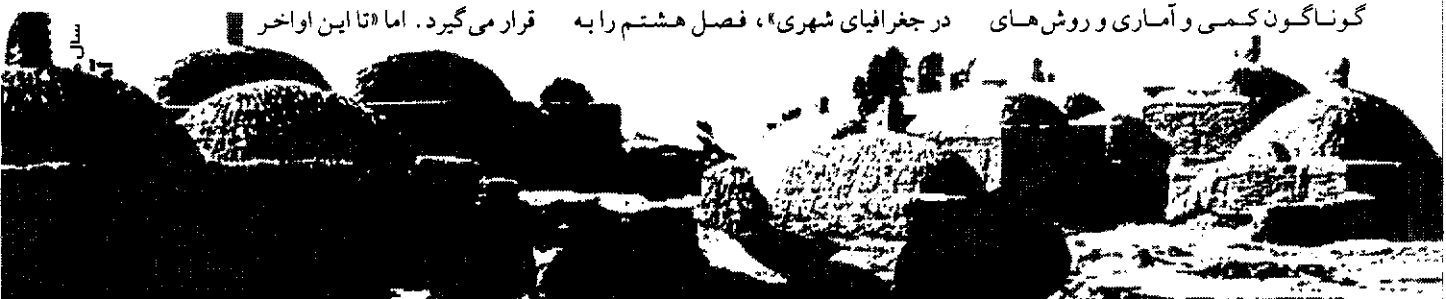
۱۱. روش بررسی حوزه عمل اداری و میدان نفوذ شهر (ص ۴۸۱).

دکتر شکویی در کتاب «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، فصل هشتم را به

«وابستگی فضایی و روابط شهر و روستا» اختصاص داده است [۲] و به تحلیل برخی از دیدگاه‌های مهم دو قرن اخیر در زمینه روابط شهر و روستا می‌پردازد؛ مانند تئوری فون تونن^۳ به سال ۱۸۲۶ و نظریه‌های: دی. پرستون^۴ به سال ۱۹۷۵، دیوید هاروی^۵، به سال ۱۹۸۵، دنیس راندیلنی^۶، «قطب رشد» فرانسوا پرواز سال ۱۹۵۰، بی. اف. هوزلیتز^۷ به سال ۱۹۵۷، مایکل لیپتون^۸ به سال ۱۹۸۴-۱۹۸۳، والتر استور^۹ و دی فرزر تیلور^{۱۰} به سال ۱۹۸۱.

بنابر منابع دکتر شکویی: «... یک ناحیه، تنها یک سیستم کارکردی از سکونتگاه‌های گوناگون نیست، بلکه این سیستم ناحیه‌ای، از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی با کنش متقابل نیز نیرو می‌گیرد و از آن تأثیر می‌پذیرد. روند کنش متقابل، از طریق روابط این سکونتگاه‌ها انجام می‌شود. روستاها، شهرهای کوچک، شهرها و مادر شهرها در یک شبکه تعامل اجتماعی، داد و ستد متقابل: خدمات، کالاها، تولیدات، فرآورده‌های کشاورزی و عرضه عقاید به هم می‌رسند. شناخت این روابط و داد و ستدهای اجتماعی و اقتصادی در جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بسیار مهم می‌نماید» [۴].

طبیعتاً حاصل «روند کنش متقابل» بین شهر و روستا در «یک شبکه تعامل اجتماعی» و نیز روابط متعکس، یعنی روابط تاب و بازتاب پویا به نوبه خود سازمان‌های فضایی خاصی را در شهر و ده پدید می‌آورند که به طور دامنه‌دار ادامه می‌یابند. بررسی همین روابط و پیدایی کارکردها و ساختارهای فضایی است که در «جغرافیای کاربردی روابط شهر و ده» جزو میانی برنامه‌ریزی محلی، ناحیه‌ای و کشوری جامع و متناسب قرار می‌گیرد. اما «تا این اواخر





(۱۹۸۰)، روابط شهر و روستا در راهبردهای توسعه ناحیه‌ای، کم‌تر مورد توجه جغرافی دانان بوده است؛ در حالی که مراد از تحقیق در روابط شهر و روستا، نه تنها تبیین این روابط، بلکه توسعه اجتماعی - اقتصادی ناحیه‌ای در یک کلیت منسجم است که در نهایت به توسعه اجتماعی - اقتصادی ملی بینجامد [۴].

شکلی انواع رابطه بین مراکز شهری و حوزه‌های روستایی و شهرهای میانی را در جدول «طبقه‌بندی وابستگی‌های مهم فضایی» از راندینلی می‌آورد. و سپس هر یک از این روابط را تشریح می‌کند. انواع این وابستگی‌ها عبارتند از: «ارتباط فیزیکی»، «ارتباط اقتصادی»، «تحرك‌های جمعیتی»، «روابط فناورانه»، «تعامل اجتماعی»، «روابط در زمینه توزیع خدمات»، «روابط اداری و سیاسی - اداری» [۵].

علاوه بر این‌ها، دکتر شکویی در بحث روابط شهر و روستا برای اولین بار این بحث‌ها را مطرح می‌سازد: «سیاست‌های برنامه‌ریزی و روابط شهر و روستا، شهر در برابر روستا در برنامه‌ریزی توسعه، شهرهای کوچک و توسعه کشاورزی، توسعه کشاورزی و توسعه شهری، توسعه کشاورزی و مهاجرت‌های روستایی، روابط شهر و روستا و فرصت‌های شغلی در شهرها، اشتغال در روستاهای مجاور، نقش شهرهای کوچک در روابط شهر و روستا، تأثیرات توسعه شهر در تولیدات کشاورزی و کاربری زمین، شبکه بازاریابی در روابط شهر و روستا، کارکرد مراکز بازاری در سلسله مراتب سکونتگاهی، نقش دولت‌ها در سیستم بازارها و روابط شهر و روستا، طبقه‌بندی وابستگی‌های شهر و روستا، استراتژی تأمین نیازهای اصلی در روابط شهر و روستا، تحلیل کارکرد شهرها در توسعه روستایی، تحلیل منابع ناحیه، تحلیل سیستم

نظرات او از مطالعاتش در کشورهای فیلیپین، بولیوی و ولتای علیا، تأثیر پذیرفته است.

دنیس راندینلی، استاد دانشگاه «سیراکیوز آمریکا»، در تحلیل روابط شهر و روستا بر محور سیاست توسعه، در سلسله مراتب شهری بر جمعیت شهری تأکید می‌کند. او می‌گوید: «هدف‌های توسعه روستایی جدا از شهرها عملی نیست؛ زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی، در مراکز شهری قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر، بیش‌تر عوامل تولید از امکانات سازمان‌های شهری بهره‌مند می‌شوند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی، مانند بهداشت و درمان و آموزش که در حوزه‌های روستایی توزیع می‌شوند؛ از مراکز شهری به دست می‌آیند. از این رو، وی پیشنهاد می‌کند در صورتی که دولت‌ها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه‌ای گسترده دست یابند، باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذاری‌ها را تقویت کنند. این امر از طریق عدم تمرکز و سیستم یکپارچه شهرها ممکن می‌شود و امکان دسترسی به بازارها را برای مردمی که در همه بخش‌های کشور یا ناحیه زندگی می‌کنند، فراهم می‌آورد.

بدین سان ملاحظه می‌شود که راندینلی در امر توسعه، نظریه خود را بر مبنای عدم تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در سکونت‌گاه‌های انسانی با تأکید بر «استراتژی توسعه بر محور شهری» برای تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی قرا می‌دهد. این امر آن‌ها را قادر می‌سازد تا جوامع روستایی خود را از نظر اجتماعی و اقتصادی توسعه دهند.

راندینلی در نظریه خود، به مفهوم بر خورد و وابستگی‌ها نیز اهمیت می‌دهد و این وابستگی‌ها را بین حوزه‌های روستایی و شهرهای کوچک، و بین شهرهای کوچک و

سکونتگاهی، تحلیل پیوند فضایی، تحلیل کار توگرافیک، تحلیل سهولت دسترسی، تحلیل تفاوت‌های کارکردی، تدوین استراتژی‌های توسعه فضایی» [۶].

بین نظریه‌های گوناگون در زمینه رابطه شهر و روستا، نظریه مایکل لپتون اهمیت بسیاری برای جهان سوم دارد. او تأثیرات نفوذ شهر بر روستا را تحلیل می‌کند و می‌گوید:

«امروزه در کشورهای فقیر دنیا، برخورد طبقاتی، نه میان نیروهای کار و سرمایه است و نه میان منافع خارجی و منافع ملی. بلکه این برخورد میان طبقات روستایی و طبقات شهری صورت می‌گیرد.»

او در تخصیص منابع برای توسعه روستایی بر زمینه‌های کاملاً روشن تأکید می‌کند. به نظر او قدرت مردم شهری به حدی است که می‌توانند، منابع عمده یک کشور را برای سودیابی خود، به شهرها اختصاص دهند و منافع تخصیص منابع را دور از جمعیت روستایی نگه دارند. زیرا نفوذ مؤثر شهر بر حوزه‌های روستایی، نه تنها مردم فقیر را در فقر نگه می‌دارد، بلکه موجب نابرابری‌هایی در داخل حوزه‌های روستایی نیز می‌شود. این امر نتیجه وجود یک هم‌بیمانی میان طبقه ممتاز شهری و کشاورزان ثروتمند روستایی است که برای طبقه مرفه و ثروتمندان شهری، مازاد مواد غذایی، پس انداز و سرمایه‌انسانی تهیه می‌کنند. شهرها از این طریق، به مازاد تولید ارزان قیمت، مواد غذایی، مواد صادراتی و غیره دست می‌یابند» [۷].

نظریه دنیس راندینلی نیز تازگی و اهمیت زیادی در تحلیل رابطه شهر و روستا دارد.

شهرهای بزرگ، لازم می‌داند و این تعامل فضایی و اجتماعی - اقتصادی را پایگاه اصلی امر توسعه می‌شناسند.

با توجه به نظریه این محقق، شهرهای میانی (بر مبنای جمعیت) ممکن است در امر توسعه تأثیر بگذارند. بدین ترتیب:

۱. شهرهای میانی از مشکلاتی که امر مسکن، حمل و نقل، اشتغال، آلودگی و تأمین خدمات شهری در شهرهای بزرگ ایجاد می‌کنند، می‌کاهند. امروزه این مسائل، در شهرهای بزرگ آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به روشنی مشاهده می‌شوند.

۲. شهرهای میانی از نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌کاهند. زیرا امکانات و خدمات عرضه شده در حوزه‌های مادر شهری، از شهرهای میانی بیش ترند و گسترش خدمات و امکانات در شهرهای میانی، نابرابری‌های موجود را کاهش می‌دهند و در ناحیه جمعیت پیش تری را از این قبیل خدمات بهره مند می‌کنند.

۳. شهرهای میانی از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازار برای تولید کشاورزی حوزه‌های روستایی به اقتصاد روستایی تحرک و پویایی می‌بخشند. البته در بیش تر کشورهای دارای بافت روستایی مانند هند، پاکستان و اندونزی، تعداد شهرهای میانی نسبت به جمعیت آن‌ها کافی نیست؛ در حالی که هر کدام از آن‌ها چندین مادر شهر بزرگ دارند.

۴. شهرهای میانی، تمرکز اداری را در شهرهای بزرگ کاهش می‌دهند. در این صورت تمرکز سرمایه‌گذاری در شهرهای بزرگ صورت نمی‌گیرد و برای سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و خصوصی در شهرهای میانی و دیگر شهرها زمینه‌های مساعدی فراهم می‌شود.

۵. سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی، فقر را کاهش می‌دهد. زیرا در بعضی از

کشورهای در حال توسعه، جلوه‌های فقر، بیش تر در شهرهای میانی و کوچک دیده می‌شوند. سرمایه‌گذاری در این شهرها برای بیکاران و مهاجران روستایی فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند. همچنین از فشارهای مهاجرتی و جمعیتی در شهرهای بزرگ می‌کاهد. در نتیجه، سیستم پویای سکونت‌گزینی در سطح ملی سامان می‌یابد. [۸]

دکتر شکویی نتیجه‌گیری از مباحث مربوط به روابط شهر و روستا را در ۱۶ بند آورده است که چون نکات ارزنده‌ای در بردارند، برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

- در تحلیل روابط شهر و روستا و برنامه‌ریزی‌ها، تجاری کردن تولیدات کشاورزی برای صادرات یا تأمین ارز، سوءتغذیه خانوارهای روستایی را به دنبال خواهد داشت؛ مگر آن‌که بخش کشاورزی تولید مازاد بر مصرف داشته باشد.

- در بررسی‌های مربوط به روابط شهر و روستا، باید بر چهار عامل وابستگی، جریان‌ها، کنش متقابل و برنامه‌ریزی توسعه، با هم و همزمان تأکید شود.

- برای مطلوبیت بخشیدن به زندگی انسان، باید از تحلیل مجزا و جدا از هم شهر و روستا خودداری شود و به آن‌ها به صورتی یکپارچه و در یک مجموعه منسجم توجه شود. این کلیت و یکپارچگی نه تنها برای عوامل اجتماعی - اقتصادی شهر و روستا ضروری به نظر می‌رسد، بلکه محیط طبیعی این نواحی نیز باید در یک مجموعه جغرافیایی بررسی شود.

- سیاست‌های «قطب رشد» و تأثیرات جانبی مراکز شهری، تاکنون نتوانسته‌اند موجب توسعه اجتماعی - اقتصادی روستاهای جهان سوم شوند. بلکه در بیش تر موارد، به صورتی انگلی، باعث سیر قهقریایی شرایط اجتماعی - اقتصادی

روستاهای جهان سوم نیز شده‌اند.

- هدف از بررسی روابط شهر و روستا، کاهش نابرابری‌های عمیق بین شرایط اجتماعی - اقتصادی شهر و روستاست. بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی باید بر این هدف مهم تأکید کند.

- هدف‌های اصلی از بررسی روابط شهر و روستا و در نهایت امر توسعه ناحیه‌ای، در چهار مفهوم اصلی خلاصه می‌شوند: الف) توسعه اقتصادی، ب) توسعه فرهنگی، ج) تعادل‌های اکولوژیک، د) دگرگونی‌های ساختاری.

- سیاست ملی شهرنشینی، باید یک سیستم متشکل سکونتگاهی شهری و روستایی در شبکه یکپارچه جغرافیایی ایجاد کند تا منافع حاصل از توسعه اجتماعی - اقتصادی از مراکز شهری به حوزه‌های روستایی و از حوزه‌های روستایی ناحیه به شهر و شهرهای بزرگ جریان یابد. پس باید برای استحکام روابط شهر و روستا در یک تعامل اجتماعی - اقتصادی منطقی کوشش شود. [۹]

اولین پژوهش پس از انقلاب، آغاز بررسی جامع «روابط شهرتفت با مناطق روستایی اطراف آن و تشخیص مراکز خدمات کشاورزی و روستایی و روابط متقابل روستاها با یکدیگر بود». این بررسی در چهارچوب مطالعات جغرافیایی شهرستان تفت [۱۰]، از آبان ۱۳۵۹ تا پایان سال ۱۳۶۰ توسط دکتر مصطفی مؤمنی در دوره فترت دانشگاه انجام شد.

این پژوهش به منزله مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای تفت تلقی شد: بررسی کم و کیف این روابط از آنجایی که شهر و حوزه روستایی آن، دو پاره یا در جزء اصلی از یک کل هستند و هستی به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند، باید در برنامه‌ریزی توسعه شهر و منطقه با هم





نگریسته شوند و نه بدون هم. و تأثیرات متقابل شهر و حوزه روستایی مدنظر قرار گیرند. [۱۱]

این پژوهش برای یافتن روابط شهر با روستا و روستا با شهر، با روش‌هایی خاص و از دو سو به رابطه شهر و روستا می‌نگرد: از سویی از شهر و بررسی انواع روابطی که شهر با روستا دارد، حرکت می‌کند و اثرات گوناگون آن را بر شهر برمی‌شمارد و از سوی دیگر از حوزه شهر یا منطقه روستایی به این روابط و آثار متفاوتی که در روستا به جای می‌ماند، نظر می‌کند. در این جا به کلیه مکان‌های روستایی که پیرامون یک شهر قرار دارند و از نظر سیاسی، اجتماعی، اداری و فرهنگی روابط و همبستگی و تأثیر و تأثرات متقابل با آن دارند، حوزه شهر اطلاق می‌شود. افزون بر این‌ها، روابط شهر تفت با شهر مسلط یزد و تبعات آن و نیز روابط بین روستاها با یکدیگر و پی آمدهای آن‌ها در ایجاد «ساختارهای مرکزیت» و نظایر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد [۱۲].

روابط میان آبادی‌های مناطق روستایی شهرستان تفت با شهر یزد و شهر تفت با مناطق دیگر دور و نزدیک دو گونه است:

- روابط اداری

- روابط اجتماعی - اقتصادی

روابط و مناسبات اداری بین مناطق روستایی و مرکز شهرستان را اصطلاحاً «روابط تثبیت شده یا ثابت» و نیز «اجباری» نام نهاده‌اند. روستاییان برای امور غیر اداری و یا دریافت خدمات و تأمین نیازهای اقتصادی خود، در مواردی که تأمین آن نیازها در محل مقدور نباشد، به برخی از آبادی‌های مرکزی شهرهای دور و نزدیک مراجعه می‌کنند. این مناسبات «روابط اجتماعی و اقتصادی» هستند. روستاییان در این گونه مناسبات برای انتخاب آبادی‌های مرکزی، یا شهرها، مختار و آزادند و دولت یا سازمان

از آبادی‌های مناطق روستایی شهر تفت، تنها از نظر اداری با شهر تفت ارتباط دارند و یا مجبور به داشتن ارتباط هستند، ولی از لحاظ اجتماعی - اقتصادی با این شهر ارتباط بسیار کمی دارند که «حوزه تأثیر» نامگذاری شدند [۱۵].

مطالعات حوزه نفوذ در طرح‌های توسعه و عمران و طرح‌های جامع و امثال آن‌ها، مدت‌هاست در ایران کاربرد دارد. «دفتر فنی سازمان برنامه و بودجه ایران»، در «قرارداد تهیه طرح‌های توسعه و عمران، حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها» به سال ۱۳۶۳، زیر عنوان قرارداد تیب شماره ۱۲ در پیوست شماره ۲ (اصول کلی و تعاریفی که باید در نحوه ارائه خدمات مورد توجه قرار گیرد. [۱۶]، در بند ۲-۴، «ضرورت بررسی و شناخت خصوصیات شهر و حوزه نفوذ آن، به صورت یکپارچه، و در نظر گرفتن روابط متقابل شهر و آبادی‌های اطراف آن» [۱۷] را تشخیص می‌دهد و در بند ۵-۱ همان‌جا، «حوزه نفوذ شهر» را به قرار زیر تعریف می‌کند:

«۵-۱. حوزه نفوذ شهر: حوزه نفوذ

شهر با در نظر گرفتن امکان دسترسی مراکز جمعیتی اطراف به خدمات شهری (مدرسه، درمانگاه، بازار و غیره) تعیین می‌شود. این کار باید با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی، و سیستم ارتباطی موجود انجام شود. در مواردی که بنا به دلایل خاص، انتخاب معیارهای دیگری برای تعیین حوزه نفوذ ضرورت داشته باشد، این کار با پیشنهاد مشاور شهرسازی، و تأیید مرجع تصویب‌کننده یا کارفرما انجام خواهد شد» [۱۸].

در الحاقیه قرارداد تیب فوق‌الذکر، در بند ج (محتوا و روش تنظیم الحاقیه)، در قسمت اول (توضیحات درباره مفاهیم و تعاریف بند)، در تعریف حوزه نفوذ (موضوع بند ۵-۱ از پیوست شماره ۲

دیگری، در آن موارد برای آنان تکلیف تعیین نکرده است. این «مناسبات انعطاف‌پذیر» یا «اختیاری» از قانون‌مندی‌های اقتصاد آزاد تبعیت می‌کنند. [۱۳].

مبانی علمی مطالعه روابط شهر و روستا در شهرستان تفت بر مبنای تجربه‌ها و نظریه‌های ارزنده‌ای استوارند که جغرافی دانان آلمانی تا آن زمان پرورانده بودند و در جای خود معرفی شده‌اند. پژوهشگر مطابق با تحقیقات منطقه‌ای ابتکاری نیز در مطالعه خود وارد کرده است [۱۴] که حاصل آن‌ها بررسی ژرف و گسترده و به دست آوردن نتایج کاربردی است.

آبادی‌های پیرامون شهر تفت، بر اساس درجه، نوع، کثرت، شدت و فراوانی روابط متقابل شهر تفت با این مناطق تقسیم‌بندی شدند. پیرامون این شهر سه حوزه تشخیص داده شد: حوزه جذب، حوزه نفوذ و حوزه تأثیر.

گروهی از آبادی‌های حومه شهر تفت که جزئی از بخش پیشکوه هستند، چون از نظر اجتماعی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، آموزشی، درمانی و غیره با این شهر ارتباط نزدیک دارند، و حتی بخش‌داری این بخش نیز در محل فرمانداری تفت مستقر است، در «حوزه جذب» شهر تفت قرار می‌گیرند. در فاصله بعدی، گروهی دیگر از آبادی‌های مناطق روستایی شهرستان تفت هستند که از نظر تأمین نیازهای میان مدت و بلند مدت اختیاری، به طور پیوسته با شهر تفت نیز ارتباط دارند و از لحاظ برآوردن احتیاجات کوتاه مدت، گه‌گاه به شهر تفت وابستگی پیدا می‌کنند. این گروه، در «حوزه نفوذ» طبقه‌بندی می‌شوند. گروه کثیر دیگری



قرارداد تیپ شماره ۱۲) چنین تجدیدنظر می‌شود: «برای رابطه یک شهر با محیط خارج می‌توان، بر حسب نوع روابط، حوزه‌های متعددی را در سطوح فوق ملی، ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و یا شهری قائل شد. لیکن در مطالعات موضوع این قرارداد، مقصود حوزه نفوذ مستقیم شهر است.

حوزه نفوذ مستقیم شهر، محدوده‌ای است که ساکنان روستاها و مراکز سکونتی واقع در آن، برای رفع نیازهای روزمره خود در زمینه خدمات آموزشی، درمانی و تجاری، به آن شهر مراجعه می‌کنند. به منظور فراهم آوردن امکان مداخله موثر دستگاه اجرایی، لازم است محدوده مزبور تا حد امکان با تقسیمات اداری-سیاسی منطبق باشد».

بنابراین، حوزه نفوذ، در این جا شامل همان مناطق روستایی شهرستان است. در حالی که طبق قاعده، حوزه اداری-سیاسی شهرستان برابر با حوزه نفوذ اجباری، و قلمرو حوزه کشش منطبق با مرادوات و روابط مراجعات قابل انعطاف یا اختیاری است. از این رو، در انطباق حوزه اجباری و اختیاری روی هم، از نظر برنامه‌ریزی هیچ سودی متصور نیست؛ جز آسان کردن کار شرکت‌های مشاوره.

۲. هدف

هدف بررسی حاضر، بازبینی اجمالی معرفت جغرافیایی در زمینه جریان‌های فکری و کاربرد نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در بیان نظام رابطه شهر و روستا در ایران است. رابطه شهر و پیرامون آن (حوزه نفوذ روستایی) در چارچوب دو نظریه دیده شده است. زیرا اعتقاد بر این است که شهر و روستا رابطه آن‌ها با یکدیگر مجرد نیستند، بلکه ارتباطی پویا دارند و درون انواع صورت‌بندی‌های اقتصادی-اجتماعی معانی متفاوتی دارند.

۱. نظریه وجه تولید آسیایی در چارچوب دوره‌بندی تاریخ از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیک

۲. نظریه سرمایه‌گذاری بهره‌بری هانس بوبک (جغرافی دان اتریشی)

اخیراً در کاربرد تئوری سیستم‌ها برای درک رابطه شهر و روستا تلاش‌هایی انجام شده است که به آن‌ها نیز خواهیم پرداخت. نظریه‌های «وجه تولید آسیایی» و «سرمایه‌داری بهره‌بری» نه تنها کوششی برای بیان واقعیت هستند، بلکه بار اقتصاد سیاسی نیز دارند. اما کاربرد «تئوری سیستم‌ها» درباره رابطه شهر و روستا بیش‌تر به لحاظ دقت بسیار در ملاحظه ساختار، عناصر و روابط کمی قضیه، مطرح است و اصولاً از ارزش‌گذاری اقتصاد سیاسی فارغ است؛ یعنی ماهیتاً بار اقتصاد سیاسی ندارد. طبعاً با مطالعه دقیق ساختار و کارکرد رابطه شهر و روستا در چارچوب تئوری سیستم‌ها، می‌توان به ماهیت این روابط دست یافت و از نتایج آن در راستای تحلیل‌های سیاسی-اقتصادی نیز سود جست.

۳. نظریه وجه تولید آسیایی و رابطه شهر و روستا

بر پایه چند اثری که به زبان فارسی یافته‌ام، خلاصه این نظریه را به قرار زیر، بیان می‌کنم:

«تئوری صورت‌بندی‌های اجتماعی-اقتصادی» [۱۹]، یک دستاورد اساسی ماتریالیسم تاریخی است. به اعتقاد کارل مارکس، جامعه بشری در مجموع از پنج صورت‌بندی (کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم) می‌گذرد. کارل مارکس پژوهش‌های عمیق خود را به طور عمده، بر همین شکل کلاسیک تحول صورت‌بندی‌ها استوار کرده است. مارکس در بررسی ویژگی گذار از

جامعه بدون طبقه اولیه به جامعه طبقاتی و ویژگی‌های هر یک از سه صورت‌بندی متکی بر استثمار و طبقات متخاصم، شکل‌های متعدد و نحوه‌های گوناگون تحولات مالکیت را مطالعه کرده است و قانون‌مندی‌های عام را در هر یک از حالات خاص کشف کرده و توضیح داده است. در این بررسی‌ها و در بعضی از آثار مارکس، به عبارت «شیوه تولید آسیایی» برمی‌خوریم. مارکس همچنین در بررسی‌های ژرف خویش در زمینه تحول مالکیت جمعی قبیله‌ای، به شکل‌های دیگر مالکیت، چهار جهت عمده را تشخیص داده است که عبارتند از: شکل آسیایی، شکل اسلاوی، شکل ژرمنی و شکل کلاسیک یونان و روم.

در دوره معینی از این بررسی‌ها، مارکس اشارات و توضیحات متعددی پیرامون ویژگی‌های ساخت اجتماعی-اقتصادی مشخصی در شرق باستان دارد. در این بررسی‌های معین که بر شالوده تحقیقات مشخص موجود در آن زمان استوارند، تفاوت‌هایی که این ساخت اجتماعی-اقتصادی با برده‌داری و کلاسیک یونان و روم و نیز فئودالیسم اروپایی دارد، خاطر نشان شده‌اند. چنان‌که از اشارات و توضیحات و بررسی‌های متعدد مارکس برمی‌آید، یک رشته از مشخصات و ویژگی‌های مربوط به «شیوه تولید آسیایی» چنین هستند.

اول- وجود یک کمون‌وتنه یا «ویس» کشاورزی روستایی که با کمون‌ها یا ویس‌های اولیه متفاوت است، ولی همانند کمون‌های جامعه اشتراکی بدوی، با بازده بسیار «نازل کار» همراه است.

دوم- وجود دولت. همان‌طور که می‌دانیم، دولت یک نهاد روبنایی وابسته به جوامع طبقاتی است. در «شیوه تولید





و وسایل ارتباطی، پل ها، معبدها، مقبره ها، قصرها، قلعه ها و استحکامات استفاده می کند.

تأمین آب برای کشت و زرع و اجرای طرح های بزرگ و کوچک آبیاری، توجیه کننده خراج است و سلطه دولت را مشروع می گرداند. در «وجه تولید آسیایی»، «دولت» و «کمون های کشاورزی» با هم تشکیل یک «وحدت دیالکتیکی» می دهند.

نظیر وحدت دیالکتیکی «پرولتس» و «کاپیتالیست» در «وجه تولید سرمایه داری»، یا «برده» و «برده دار» در «وجه تولید

برده داری». روابط مردم با دولت در نظام آسیایی در دو کلمه «عبودیت عمومی» خلاصه می شود و ویژگی هایی نظیر: فقدان

مالکیت خصوصی زمین، وجود واحدهای تولیدی مستقل و پراکنده که از عهده همه

احتیاجات خود برمی آیند، انضمام بی واسطه کشاورزی و حرفه ها و ادامه یک نوع تقسیم

کار تغییرناپذیر در واحدهای تولیدی مذکور، وجود دولت مرکزی مقتدر مستند و استثمار

تولیدکنندگان به وسیله دستگاه حکومت از طریق ضبط خراج محصولات کشاورزی و

پدید آمدن شهرهای مصرف کننده ای که مرکز اجتماع فرمانروایان و قوای دولتی و دیوانسالاران و محل گردآوری ثروت های

بیکران آن هاست و اختصاص ذخیره های مالی به تمتع و کامرانی، خطوط اصلی این

چهره تاریخی را تشکیل می دهند» (ص ۲۲) [۲۱].

با توجه به اهمیت مسأله، در رابطه شهر و روستا در تاریخ آسیا و نیز ایران، در روزگار سلطه این وجه از تولید، قدری آن را بازتر می کنیم:

«در طریقه مالکیت آسیایی، ایجاد شبکه های آبیاری و خطوط ارتباطی و مؤسسات عام المنفعه دیگر، به صورت کار و خدمتی از جانب دستگاه حکومت

این ها ویژگی های «شیوه تولید آسیایی» هستند؛ بدان گونه که از برخی توضیحات و بررسی های مارکس برمی آید» [۲۰].

دکتر محمد علی خنجی، مشخصات وجه تولید آسیایی و جایگاه آن را در تاریخ آسیا به روشنی بیان می کند و به جایگاه و

پیدایی شهر و روستا و نوع روابط آن ها می پردازد.

با رشد قوای تولیدی و انحلال جماعت بدوی، استثمار انسان از انسان ممکن می شود و «وجه تولید آسیایی» جای

نظام اشتراکی اولیه را می گیرد. در این مرحله، جماعت های دهقانی (کمون های کشاورزی) متلاشی نمی شوند و مالکیت

خصوصی زمین به وجود نمی آید. بلکه به علت ضرورت کار اجتماعی برای

بهره وری از زمین، از یک طرف مالکیت جمعی (کمونال) همچنان ادامه می یابد و

از سوی دیگر، و از همین منشا، عنصری جدید به نام «دولت» ظهور می کند که

قبیله ها و جماعت های کشاورزی را زیر لئوای یک واحد بزرگ (کشور) گرد

می آورد. این عنصر جدید، عملاً زمین ها و آب ها را به تملک خود درمی آورد و در

این مرحله دولت (فرمانروا) به صورت یگانه مالک واقعی زمین درمی آید و

جماعت های کشاورزی به صاحبان حق انتفاع مبدل می شوند. رانت اراضی (بهره مالکانه) مستقیماً به خزانه تعلق می گیرد و این کار به وسیله گرفتن خراج

محصولات کشاورزی یعنی ضبط قسمتی از محصول کار کمون ها انجام می پذیرد. به علاوه، دولت مستقیماً نیز از کار اضافی افراد برای ایجاد شبکه های آبیاری، راه ها

آسیایی»، تشکیل دولت وابسته است به وجود طبقات اجتماعی و قشرهای برتر و پست تر.

طبقه اجتماعی برتر، از جمع کمونوته های کشاورزی یا ویس روستایی (دهکده های

طایفه ای)، باج و خراج، سیورسات و عوارض اجباری می گیرد و بدین طریق یک

استثمار اقتصاد گروهی برقرار می کند.

سوم - فقدان مالکیت خصوصی بر زمین. روی قطعات معین زمین، مالکیت

دوگانه وجود داشت؛ هم مالکیت «کاخ» (دربار) یعنی رئیس دولت و هم مالکیت

کمونوته، یعنی اجتماع اشتراکی روستایی.

چهارم - خصلت استبدادی و خودکامه قدرت دولتی که پایه آن را حق مالکیت سلطان

مستبد بر زمین (اگرچه مشترک) تشکیل می داد. اما این حق در شیوه تولید آسیایی فاقد

خصلت شخصی بود و خصلت مقامی و عملی داشت. یعنی نه حق سلطان، بلکه حق

هر شخصی که سلطان بود و عمل ویژه او را انجام می داد، شمرده می شد. به علاوه

خودکامگی و قدرت متمرکز و مستبد بر وظایف معین سلطان و نزدیکان او، در

تشکیلات جامعه، و نقش ویژه ای که آنان به علت شرایط خاص اقلیمی و جمعیتی داشته اند، متکی بوده است.

پنجم - اگر بردگانی هم در این شیوه تولید وجود داشتند، نقش اساسی و قاطع را

در تولید اجتماعی ایفا نمی کردند. این نقش به عهده دهقانان کمونوها (ویس ها، اجتماعات همیار) بود.

ششم - تضاد اساسی طبقاتی در این شیوه تولید، بین کمونوته های روستایی از یکسو و طبقه برتر، از جمله سلطان از سوی دیگر

بوده است.



جلوه می‌کند. در واقع، سهمی از محصول، یا به عبارت دیگر، قسمتی از کار اضافی که مستقیماً یا به صورت خراج به اختیار خزانه در می‌آید، به وسیله همین نوع خدمات توجیه می‌شود و سلطه همه‌جانبه دولت مشروع جلوه می‌کند. قسمتی از همین کار اضافی که به صورت خراج محصولات کشاورزی از جماعت‌ها وصول می‌شود، در شهرها از طرف دیوانسالاران به مصرف می‌رسد. شهرها در این طریقه، باری هستند بر دوش روستاها و در محل‌هایی که مرکز سکونت فرمانروا و حکام و اصحاب دیوان و لشکریان هستند، به وجود می‌آیند. این شهرها در حقیقت مصرف‌کننده هستند. در این‌جا کارگزاران حکومت و وابستگان آنان، درآمدهای خود را با کار مبادله می‌کنند. یعنی «اضافه محصول جماعت» (خراج) را به صورت «کار-ماهه» ۱۲ در می‌آورند. شهرهای بزرگ به معنی واقعی کلمه، صرفاً عبارتند از اردوگاه‌های فرمانروا و دیوانسالاران که مستقماً از روستا ارتزاق می‌کنند و به هیچ وجه مراکز تولید اقتصادی به شمار نمی‌آیند.

بنابراین، تاریخ آسیا عبارت است از نوعی وحدت شهر و روستا. در این طریقه، جماعت‌های دهقانی (کمون‌ها)، کانون‌های تولید و اضافه تولید هستند و شهرها محل مصرف این اضافه تولید به شمار می‌آیند. از دیگر محل‌های مناسب برای پدید آمدن شهرهای نوع آسیایی، مناطقی هستند که برای داد و ستد خارجی وضع مساعدی دارند. «[۲۲].

«... تاریخ آسیا عبارت است از نوعی وحدت تفکیک‌ناپذیر شهر و روستا. شهرهای بزرگ به معنی اخص باید همچون اردوگاه فرمانروا تلقی شوند که از بالا، بر یک شالوده اقتصادی واقعی تحمیل شده

است» [۲۳]. «... فرد در این‌جا هرگز نمی‌تواند به صورت یک کارگر آزاد به استقلال کامل برسد. اگر شرایط عینی کار او به فرض متعلق به خود اوست، اما خودش به طور عینی به فرضی متعلق به جماعت است؛ جماعتی که رابطه او را با شرایط عینی کار به وجود می‌آورد. برعکس، وجود حقیقی جماعت، به وسیله طریقه خاص مالکیت آن جماعت بر شرایط عینی کار، مشخص می‌شود. مالکیت فرد که از طریق مالک بودن او در یک جماعت است، یک مالکیت اجتماعی است که به فرد فقط حق تصرف می‌دهد، نه حق مالکیت خصوصی بر زمین...» [۲۴].

«طریقه آسیایی ضرورتاً بیش‌تر عمر می‌کند و با سرسختی بیش‌تری دوام می‌آورد و این ناشی از قواعد اساسی آن است. یعنی این‌که فرد، از جماعت مستقل نمی‌شود و دایره تولید، تکافوی خود را می‌نماید و نیز وحدت کشاورزی و حرفه‌ها و غیره حفظ می‌شود...» [۲۵].

«... از آن‌جا که فرد در این طریق هرگز مالک نمی‌شود و فقط یک متصرف می‌ماند، اساساً خود او موضوع مالکیت است و مورد تملک قرار دارد. یعنی برده آن چیزی است که وحدت جامعه را در خود تجسم می‌بخشد / یعنی حکومت» [۲۶].

دکتر خنجی با کاربرد صورتبندی «وجه تولید آسیایی» در مورد ایران، آن را «نظام مالکیت متمرکز دیوانی» (ص ۵۸) [۲۷] می‌نامد و «نظام مستقر در ایران را تا قبل از استقرار نوعی فئودالیسم که آن را از پادشاهی آغامحمدخان قاجار به بعد می‌داند، به دو بخش «نظام مالکیت دیوانی» و «نظام اقطاعی» تقسیم می‌کند. «نظام مالکیت متمرکز دیوانی» تقریباً همان است که کارل مارکس به عنوان «وجه تولید آسیایی» مطرح کرده است. دکتر خنجی نشان می‌دهد که این

نظام نه تنها در ایران و آسیا، بلکه در بخش عمده‌ای از جهان مستقر بوده و مراحل تحولات اجتماعی در بخش بزرگی از اروپا استثنایی است که خود مارکس هم بعداً به این موضوع توجه کرده است» (ص ۵۳) [۲۸].

در تئوری وجه تولید آسیایی، رابطه شهر و روستا در چهارچوب زیر شکل می‌گیرد: وجود دولت مرکزی مقتدر و مستبد و استثمار تولیدکنندگان به وسیله دستگاه حکومت از طریق ضبط خراج محصولات کشاورزی و پدید آمدن شهرهای مصرف‌کننده که مراکز اجتماع فرمانروایان و قوای دولتی و دیوانسالاران... است.

- این شهرها مستقیماً از روستاها که کانون‌های تولید و اضافه تولید هستند ارتزاق می‌کنند و به هیچ وجه مراکز تولید اقتصادی به شمار نمی‌آیند.

- فرد در این شیوه تولید هرگز مالک نمی‌گردد و خود او مورد تملک قرار دارد.

ضمن این‌که این تئوری نوع و نظام مناسب شهر و روستا را به خوبی بیان می‌کند، اما به مطالعه‌ای که در پرتو این نظریه روابط مذکور را به طور کمی و درون یک محدوده جغرافیایی بررسی کند، دست نیافتیم.

(ادامه دارد)

زیرنویس

1. Seven Godland
2. Reilly
3. Vanthünen
4. D. Preston
5. D. Harvey
6. d. Rondinelli
7. B. F. Hoselitz
8. M. Lipton
9. W. Stöhr
10. D. Fraser Taylor

